

# پرونده

## هنر و معماری آسیای مرکزی

«آسیای مرکزی» (Central Asia) در تعریف یونسکو شامل کشورهای امروزی ازبکستان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، شمال پاکستان، شمال هند، غرب چین، شمال شرق ایران و جنوب شرقی روسیه مرکزی است که در دومین دایرةالمعارف شوروی در ۱۹۵۷ شامل کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان و با ماهیتی سیاسی، موسوم به «آسیای میانه» شد. البته قبل از آسیای میانه در نوشته‌های دوران اسلامی از آن با اصطلاح «ترکستان» و «ماوراءالنهر» یاد شده است؛ به گستره میان دو رود آمودریا و سیردریا «ماوراءالنهر» گفته می‌شد و به بخشی از شمال آن که مسکن اصلی قوم‌های ترک بود، «ترکستان» می‌گفتند.

جغرافیای جوامع در گذر تاریخ، بستر شکل‌گیری فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی شده که مرزبندی‌ها و اندیشه‌های سیاسی امروز سعی دارد واقعیت آنها را دیگرگونه جلوه دهد. بین ایران کنونی و سرزمین خراسان بزرگ (ماوراءالنهر) {در اصطلاح امروزی، آسیای میانه} پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی برقرار بوده است. شناخت آگاهانه تمدن فلات ایران به منظور روشن ساختن سیر و جریان فرهنگ این منطقه و آگاهی از تعاریف سیاسی آن، ضرورت بسیار دارد.

مقالات پرونده این شماره مجله، بخشی از دستاورد سفر انجمن سفرهای پژوهشی منظر (وابسته به پژوهشکده نظر) در تابستان ۱۳۸۸ به آسیای میانه است. مقالات حاضر عمدتاً به قیاس وضعیت شهرهای آسیای میانه در دوران شوروی سابق با دوره تاریخی آنها پرداخته است. تحقیقات دیگری در دست انجام است که ویژگی‌های اختصاصی هنر و تمدن این منطقه را آشکار می‌سازد.





# رویارویی سنت با حکومت

## بررسی دو الگوی سنتی و حکومتی محله در آسیای میانه

kasravi\_r@yahoo.com

رضا کسروی / کارشناس ارشد معماری

### محله؛ پیشینه سکونت در شهرهای آسیای میانه

تا اواسط قرن بیستم، در شهرهای آسیای میانه، مانند دیگر شهرهای اسلامی، محله یا همسایگی عنصر اصلی سازنده ساختار شهر بود. از یک سو محله، واحد پایه‌ای بود که مردم محلی اغلب عمرشان را در آن می‌گذراندند. هر محله یک مرکز محله داشت که چایخانه و مسجد، فضاهای جمعی و تجاری، اجزای سازنده مرکز محلات بودند. از سوی دیگر، واحد پایه اجتماعی شهر نیز به شمار می‌رفت؛ جایی که ساکنان با ارتباطات شخصی و فامیلی به هم مرتبط بودند، اغلب چند نسل را به هم وصل می‌کرد، در جامعه و وقایع خانوادگی مشارکت داشته و مردم برای کمک به یکدیگر و حل مسائل مشترک در گرد هم می‌آمدند. (The Aga Khan Trust For Culture, 1997).

محله بازتاب جامعه سنتی بود، شالوده آن شبکه خانواده پرجمعیت بود که با سایر نهادهای سنتی حمایت می‌شد. محله جایی بود که ساکنان و فرزندان آنها در آن متولد می‌شدند و زندگی خود را سپری می‌کردند. به جز در مواردی که حکومت‌ها یا بلایای طبیعی مداخله می‌کردند، خانواده و دوستان، ساختار زندگی محلی و هویت آن را شکل می‌دادند. (Harvard University sti, 1996).

### ایدئولوژی جدید و شیوه سکونت

بر اساس ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم، فرهنگ قرون اولیه، نوعی فئودالیسم تولید بود که میراث شهر و عناصر آن سمبل‌های فئودالیت به حساب می‌آمدند. شهر سنتی که زادگاه فئودالیت و محل سکونت طبقه بورژوا بود، شهر مطلوب اتحاد جماهیر شوروی نبود و باید جایگزینی برای آن در نظر گرفته می‌شد. لذا تاریخ و در پی آن سمبل‌ها و میراث تاریخی بر اساس مفاهیم مارکسیسم-لنینیسم دوباره تعریف شد و این گونه بود که واحد پایه شهرهای سوسیالیستی یعنی «مایکرو رایان» پی‌ریزی شد.

### مایکرو رایان

«مایکرو رایان»، یک جامعه خودگردان است که تمام آنچه برای آسایش ساکنان نیاز است را فراهم می‌کند. این الگو، به همراه صنعتی‌شدن و با شاخصه عدم وجود تنوع در نواحی مسکونی خود را نشان داد. قلمرو آن با یک راه اصلی دارای خدمات حمل و نقل تعیین می‌شد و ساختمان‌های مسکونی پیرامون یک باغ-حیاط اشتراکی و به خاطر دسترسی بهتر به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی در نزدیکی راه اصلی قرار داشت. در محدوده مرکزی نیز، مدارس و مهد کودک دیده شده بود. مجموعه‌های ساختمانی با یک بلوک خدماتی شامل فروشگاه مواد غذایی، چایخانه و کافه حمایت می‌شد، همچنین شورایی به نام «دامکوم» برای حل مشکلات محلی، یک آرایشگاه، بانک، پست، داروخانه و کلوب‌هایی برای تبلیغات کمونیستی نیز وجود داشت.

بلوک ساختمانی پایه که در مناطق مسکونی شهرهای سوسیالیست به مایکرو رایان معروف شد، از یک واحد همسایگی فضاهای زندگی با فرم بلوک‌های مشابه حمایت می‌کند. هر مایکرو

با ظهور اتحاد جماهیر شوروی در آسیای میانه، شهرهای سنتی مسلمان‌نشین به دلیل تاریخ، میراث کهن و با توجه به «فئودالیسم» قرون گذشته، نتوانستند خود



را با ایدئولوژی جدید و تفاسیر و شیوه‌های نوسازی که «مارکسیسم-لنینیسم» ارائه می‌داد، سازگار کنند. در شیوه جدید برنامه‌ریزی برای شهر، محله و مرکز شهر سنتی جای خود را به «مایکرو رایان» (واحد پایه شهر شوروی) و مراکز جدید شهری با بلوارهای بزرگ که نماد بزرگی و عظمت شوروی بود، دادند.

مردم به خروج از شهر سنتی و سکونت در شهرهای جدید شوروی تشویق شدند. این سیاست در سراسر شوروی بدون کمترین توجه به تفاوت اقلیم و فرهنگ نواحی مختلف به اجرا درآمد. با فروپاشی شوروی، اراده دولت برای ساخت شهری بدون طبقه اجتماعی، متوقف و عملاً با شکست مواجه شد.

واژگان کلیدی: سکونت، ایدئولوژی، محله، مایکرو رایان



نمونه‌ای از مرکز محله مشتمل بر مسجد و فضاهای جمعی در شهر دوشنبه. این بناها همچنان مرکز همسایگی‌ها است.

مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۸



نمونه‌ای از مایکرو رایان، شهر دوشنبه، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۸

درصد سطح محله را اشغال کرده و ۷۰ درصد دیگر را ساختمان‌ها تصرف کرده‌اند، در حالی که در ناحیه‌های شهر شوروی تنها ۲۰ درصد سطح ناحیه به ساختمان‌ها تخصیص یافته است. هر چند حیاط‌های خصوصی شهر سنتی با حیاط اشتراکی مایکرو رایان قابل مقایسه

است و به همان اندازه نیز دامکوم، مرکز اجتماعی و ریش سفید محله محسوب می‌شود. به علاوه وقتی محدودیت‌های فضای و اجتماعی اجازه می‌داد، مثل محله عمل می‌کرد، به نحوی که گاهی محله نامیده می‌شد که خود نشان از تمایل نهفته مردم در بازگشت به شیوه‌های سنتی در تصمیم‌گیری‌ها است. پس از استقلال جمهوری‌های شوروی سابق، مردم ساکن در مایکرو رایان‌ها دست به کار تغییرات اساسی در شکل ساختمان‌های خود شدند. (Harvard University sti, 1996)

**مسکن ماشین سکونت نیست بلکه تعریف آن در قالب محله، معرف حدود اجتماعی است که گروه‌های اجتماعی در جابجایی‌ها و معاشرت‌هایشان تعیین می‌کنند. ضرورت حفظ مفهوم محله به عنوان واحد زندگی اجتماعی، تسهیل‌کننده مشارکت اهالی و ضامن پایداری اجتماعی توسعه است. کسالت‌آور بودن، بی‌نامی روابط اجتماعی، فقدان نشانه‌های فضایی، شهرت داشتن به حومه‌های خوابگاهی و نه سکونتی هشدارهایی است برای توجه بیشتر به شرایط جمعیتی که ناگزیر به همزیستی می‌شوند.**

رایان بخشی از یک سلسله مراتب ارائه خدمات بود. چند مایکرو رایان با هم، یک مجموعه بزرگتر و استاندارد مسکونی را برای ارائه خدمات سطح وسیع‌تر شکل دادند. مایکرو رایان مجموعه‌های مسکونی ۴ یا ۵ طبقه بود که در یک بلوک با هم قرار می‌گرفتند و دسترسی به آنها از طریق مسیر سواره، پارکینگ و راه موزی با یک بلوار بزرگ تأمین شد. (Gangler ; Petruccioli ; Garbe, 2003). مرکز یک «رایان» مشتمل بر یک مجموعه وسیع از مؤسسات و خدمات؛ یک پارک، یک استادیوم، یک سوپرمارکت، رستوران و سینما بود. این برنامه سازمانی صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی و اقلیمی در نواحی مختلف اتحاد جماهیر شوروی اجرا شد.

### تقابل میان شهر قدیمی و شهر جدید

الگوی «مایکرو رایان» در سراسر اتحاد جماهیر شوروی تکرار شد و هدف آن، تبدیل این «شهر ایدئولوژیک» به شهر آینده بود. این بدان معنی بود که سیاست در قبال شهرهای قدیمی، خالی کردن آنها از جمعیت و سپردن آن به طور کامل به گردشگران برای تحسین بناهاست. در سیستم مایکرو رایان دسترسی به زیرساخت‌های شهری برای همه یکسان است. ساختار گسترده بخش جدید شهر در تضاد و یا رقابت با ساختار مسکونی متراکم شهر قدیمی است. در نتیجه بخش تاریخی، عملکرد خود را به عنوان مرکز شهر از دست می‌دهد.

این جابجایی جمعیت به صورت فعال توسط دولت حمایت می‌شد: کسانی که آپارتمان نو می‌خواستند، برای تعجیل در به دست آوردن آن، مدت کوتاهی در شهر قدیمی ساکن می‌شدند. با این وجود بسیاری از مردم همچنان در شهر قدیمی ماندند. شهر سنتی در مقابل تغییر، مقاومت کرده و به لحاظ اجتماعی همچنان نمایشگر جامعه محلی بود. سازمان شهری که با محلات خودنمایی می‌کند بسیار پایدار می‌نمود به نحوی که دولت تلاش کرد برای کنترل مؤثرتر، اندازه آنها را کوچک‌تر کند. به لحاظ تیپولوژی، شهر سنتی و شهر شوروی در مقابل هم قرار داشتند؛ راه‌های پرپیچ و خم و دیوارهای بدون بازشو شهر سنتی با سر راستی و باز بودن شهر شوروی که نسبت فضای پر و خالی در آن برعکس است. حیاط‌ها، شبکه حمل و نقل و میدانی تنها ۳۰

### جمع‌بندی

بر پایه محلات همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد اما شهر شوروی علی‌رغم حمایت‌های دولتی نتوانست انتظارات را برآورده کند. رجوع مردم به شهر و الگوهایی که از منظر مارکسیسم-لنینیسم، موجد طبقه بورژوا در شهرهای آسیای میانه است و اقبال به سبک‌های معماری زمینه‌گرا که نمونه عالی آن در سنت معماری و شهرسازی آسیای میانه، تاریخی طولانی دارد، اگر نشانه قطعی پیروزی شهر سنتی آسیای میانه بر شهر شوروی نباشد، حداقل، شکست طرح شهر ایدئولوژیک را اثبات می‌کند.

اجرای طرح شهر برای جامعه بدون طبقه شوروی، کاملاً بر عهده دولت بود. با از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی، عملاً تلاش برای ایجاد یک جامعه بدون طبقه، ناتمام ماند. به علاوه، علی‌رغم اینکه شوروی توانست معماری «مایکرو رایان»ها را در سرتاسر آسیای میانه توسعه دهد، اما در مقیاس شهر، این واحد پایه نتوانست نقش کلیدی مورد انتظار را در ساخت شهر بدون طبقه ایفا کند و ما امروزه شاهد رواج الگوهای زیستی متفاوت از آنچه شوروی خواهان آن بود، هستیم. شهر سنتی

### منابع

- 1 The Aga Khan Trust For Culture (1997) *Planning For The Historic City Of Samarkand*, Arti Graphiche Fratelli Palombi, Rome, Italy.
- 2 Anette Gangler, Attilio Petruccioli, Heinz Garbe (2003) *Bukhara: The Eastern Dome of Islam : Urban Development, Urban Space, Architecture*, Edition Axel Menges.
- 3 Harvard University and the Massachusetts Institute of Technology (1996) *The soviet Interpretation and Preservation Of The Ancient Heritage Of Uzbekistan: The Sample Of Bokhara*, Cambridge M.A.